



درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۲۸ مهر ۱۴۰۴

مصادف با: ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۴۷

موضوع جزئی: آیه ۶۱ - تفسیر بخش‌های مختلف آیه - بخش سوم: «اهبطوا مصرًا فإن لکم ما سألتکم» -

جلسه: ۹

بخش چهارم - ۱. «و ضربت علیهم الذلة والمسکنة» - احتمال اول و بررسی آن -

احتمال دوم و بررسی آن - احتمال سوم و بررسی آن - مؤید احتمال سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم بخش دیگری از آیه ۶۱ «اهبطوا مصرًا فإن لکم ما سألتکم» است؛ دستور به هبوط در مصر صادر شد؛ احتمالاتی که در مورد این دو کلمه بود بیان گردید و نظر مختار هم در مورد آن بیان شد. این بخش یک ذیلی دارد که من این را بیان کنم و سراغ بخش بعدی برویم.

«فَإِنْ لَّكُمْ مَا سَأَلْتُمْ»

«فَإِنْ لَّكُمْ مَا سَأَلْتُمْ»، دستور به هبوط در مصر داده شد و بعد علت آن را بیان می‌کند: «فان لکم ما سألتکم»؛ آنجا این چیزهایی که شما درخواست کردید، هست. شما درخواست پیاز و سیر و عدس و خیار کردید، پس به مصر بروید؛ در مورد مصر هم گفتیم که همان سرزمین معهود است و اشاره به تنزل و سقوط از جایگاه دارد. ترکیب «اهبطوا مصرًا» و «فان لکم ما سألتکم» در واقع کأن اشاره به این دارد که شما که خواسته‌های نازل و کم‌اهمیت و ناچیز و پست دارید. این خواسته‌های شما در همان مصر تأمین می‌شود؛ یعنی گویا به آنها می‌فرماید شما به گذشته باز می‌گردید. کسانی که از آن ذلت و خفت و حقارت نجات پیدا کرده بودند و به آقایی و سروری رسیده بودند و دشمن اصلی آنها که فرعون بود، در دریا غرق شد و سختی‌ها و مشقت‌هایی را بر خودشان هموار کردند، اما گویا آن حقارت‌ها و تحقیرها و پستی‌ها را فراموش کردند؛ الان می‌خواهند این آقایی و عزت و سروری را فدای درخواست‌های جزئی کنند. عرض کردم که مسئله فقط این نیست که اینها چند نوع غذا خواستند، آن هم غذاهای حلال و طیب و اینگونه مورد غضب و مؤاخذه قرار گرفته‌اند و حضرت موسی امر به هبوط در مصر کرده است، بلکه مسئله، مسئله بهانه‌جویی و تنوع‌طلبی و شکم‌پرستی و رسیدن به خواسته‌ها به هر قیمتی است؛ برای این است که حضرت موسی می‌فرماید چیزهایی که شما درخواست کردید، در مصر هست؛ به همان‌جا بروید. به تعبیر امروزی، لیاقت شما همین است و بیش از این لیاقت ندارید. مثل این است که یک شخصی جمعی را در شرایطی بسیار ویژه پذیرایی کند و همه احترامات مادی و معنوی را نسبت به آنها اعمال کند و هیچ چیزی از مهمان‌نوازی و پذیرایی و تکریم مهمان کم نگذارد، لکن در این میان مهمانان تقاضایی کنند که خود میزبان از شدت ناهمی و کج‌فهمی و کینه و بغض و صفات رذیله آنان، در تعجب بماند و نسبت به آن جمع و کارهایی که برای آن جمع انجام داده، ناامید و مأیوس شود. اینجا حضرت موسی با این لسان با بنی اسرائیل سخن گفته است.

ما تا اینجا درباره سه بخش سخن گفتیم؛ یکی «وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى» که گفتیم بخش اول یک وجه ایجابی دارد و یک وجه سلبی. بخش دوم «قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ» بود؛ بخش سوم هم «اهبطوا مصرًا فإن لکم ما سألتکم» بود.

بخش چهارم: «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ»

بخش چهارم آیه این است: «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ»؛ این بخش در واقع اشاره به عاقبت این قوم دارد؛ منتها قسمت اول آن به عاقبت و فرجام دنیوی، و قسمت دوم آن کأن به فرجام اخروی، یا به تعبیر دیگر به عاقبت مادی و معنوی آنها اشاره می‌کند.

۱. «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ»

قسمت اول از بخش چهارم این است: «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ»؛ معنای این قسمت از آیه روشن است. بر این قوم، ذلت و مسکنت نوشته شده است؛ مثل «کتب» که اشاره به حتمیت و قطعیت دارد، اینجا هم «ضربت» یعنی بر این قوم مسکنت و ذلت ضرب شده است. وقتی یک علامت و نشان و نوشته‌ای را بر روی انگشتر یا مهر حک می‌کنند، می‌گویند ضربت. سکه و درهم و دینار را معمولاً ضرب می‌کردند؛ ضرب سکه یعنی نقش و اسمی که روی سکه ضرب و حک می‌کردند. این اشاره به دوام و ماندگاری دارد؛ یک چیزی که حتمی و قطعی و غیرقابل از بین رفتن است، در مورد آن تعبیر ضربت به کار می‌برند. اینجا می‌خواهد بگوید این سرنوشت قطعی و پایان اجتناب‌ناپذیر این قوم است.

ما قبلاً فرق ذلت و مسکنت را ذکر کردیم؛ اجمالاً در این آیه خداوند تبارک و تعالی می‌خواهد بفرماید اینها ذلت و پستی و درجاءزدگی ... مسکنت به معنای اینکه اینها زمین‌گیر می‌شوند، تیره‌روز می‌شوند؛ ذلت و مسکنت و تیره‌روزی به طور حتمی بر این قوم نوشته شده و قرار داده شده است.

سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که چطور خداوند تبارک و تعالی خود یهود آن دوران را مخاطب قرار داده و فرمود: «وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ؟» به یاد بیاورید زمانی که شما گفتید، و بعد هم موسی این را گفت. اما اینجا به یک باره از خطاب التفات به غیب پیدا کرده است؛ به جای اینکه بگوید «و ضربت علیکم الذلّة و المسکنة»، می‌فرماید «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ»؛ تا حالا می‌گفت شما بودید که یک زمانی این درخواست‌ها را داشتید و موسی به شما این را گفت؛ بعد یک مرتبه می‌فرماید «و ضربت علیهم». چرا این تفاوت پدید آمد؟ چند احتمال اینجا قابل ذکر است که البته این احتمالات بر مبنای این است که ما ضرب ذلت و مسکنت را مجازات همین درخواست بدانیم یا آن را عمومی‌تر فرض کنیم. سه احتمال در اینجا متصور است.

احتمال اول و بررسی آن

یک احتمال این است که اینها به خاطر درخواست قثاء و بصل و... گرفتار ذلت و مسکنت شده باشند؛ یعنی «ضربت علیهم» به اعتبار همین درخواست‌ها که چنین خواری و پستی برای آنها به دنبال داشت.

اگر ما بخواهیم این خواری و پستی را فقط معطوف به این درخواست کنیم، بعید به نظر می‌رسد. هرچند در اینکه این درخواست معصیت بود یا نه، اختلاف است؛ حتی اگر ما بگوییم درخواست آنها معصیت بوده، اینکه به خصوص به خاطر همین یک درخواست و معصیت با چنین غلظت و شدتی به ذلت و مسکنت محکوم شوند، این قابل قبول نیست. لذا باید معنای «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ» را فراتر از سائلین و درخواست‌کنندگان عدس و پیاز و سیر بدانیم.

احتمال دوم و بررسی آن

اینجا کأن خداوند تبارک و تعالی می‌خواهد بفرماید نتایج همه آن ناسپاسی‌ها و ناشکری‌ها، ضرب ذلت و مسکنت بود. تا اینجا

تقریباً ۱۰ - ۱۵ آیه به ذکر نعمت‌های خداوند به بنی اسرائیل و ناسپاسی‌های آنها پرداخته بود؛ اینجا آن پخش تمام می‌شود و از این به بعد وارد یک مطلب جدید می‌شود. لذا در پایان ذکر نعمت‌های متعدد الهی و نیز اشاره به ناسپاسی‌ها و ناشکری‌ها، می‌خواهد بفرماید «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ»؛ این قومی که ما این همه به آنها نعمت دادیم و این همه نسبت به آنها لطف کردیم، جز بهانه‌تراشی و لجاجت و عناد و انکار، راه دیگری را در پیش نگرفتند، پس «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ». این احتمال در حقیقت به اعتبار پایان شمارش نعمت‌های خداوند تبارک و تعالی در نظر گرفته شود. طبق این احتمال، مسئله فقط درخواست چند غذا یا اعلام عدم پذیرش یک غذا نبوده است. این احتمال هم نسبت به احتمال سوم ضعیف است.

احتمال سوم و بررسی آن

احتمال دیگر این است که اساساً مخاطب این بیان، یعنی آن کسانی که این حکم در مورد آنها بیان شده، همه یهود الی یوم القيامة هستند، نه خصوص یهودیان آن زمان. در واقع خداوند اینجا اخبار می‌کند از سرانجام این قوم. لذا تعبیر «ضربت» به کار برده است؛ دیگر نمی‌توانسته بگوید «ضربت علیکم». پس این برای آن است که این عذاب و ذلت و مسکنت و بعد به دنبال آن غضب الهی، مخصوص درخواست‌کنندگان آن غذاها نبود؛ بلکه همه یهود محکوم به این سرنوشت هستند.

پس طبق یک احتمال، همان یهود مخاطب بوده و در پایان همه ناسپاسی‌ها، خداوند برای آنها این را مقرر کرد؛ طبق احتمال دوم، مسئله فقط آنها نبودند؛ در حقیقت می‌خواهد بگوید قوم یهود چنین سرانجامی در انتظارشان است.

مؤید احتمال سوم

اینجا یک سؤال دیگر پیش می‌آید؛ این سؤال در واقع به دنبال احتمال اول پیش می‌آید. اگر ما گفتیم آنها به خاطر ناشکری‌هایشان این چنین خداوند مقرر کرد که ذلیل و حقیر شوند، آن وقت جای این سؤال است که آنها به ذلت و مسکنت نیفتادند؛ آنها تا زمانی که حضرت موسی بود، عزیز و محترم بودند و آقایی داشتند. این ذلت و مسکنت، آن هم بعد از چند نسل عارض بر این قوم شد؛ پس چرا اینجا فرموده «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ»؟ این خودش می‌تواند یک مؤید برای احتمال سوم باشد که ما بگوییم این به همه یهود می‌گوید که اصلاً یهود چنین فرجامی در انتظارش است و در عاقبت او این خواهد بود.

«والحمد لله رب العالمین»